

بازخوانی علیّت و پنجره‌های علیّی در گفتمان قرآنی با محوریت تفسیر آیات «قرض»

محمدهادی یدالله‌پور*
فاطمه حسن‌نژاد**

چکیده

«علیّت» یکی از روابط بنیادی است که نقش مهمی در زمینه‌های مختلف دینی و معرفتی ایفا می‌کند. در تحلیل زنجیره‌های علیّی در قرآن، اصول معنایی متعددی مانند اصل پنجره‌های علیّی مطرح می‌شود. مطابق این اصل، روابط علیّی گوناگون در آیات مختلف نسبت به یک زنجیره علیّی فراهم می‌شود و بخش خاصی از یک مسیر یا فرآیند در کانون توجه قرار می‌گیرد. در تفسیر شناختی از کلام الهی، بررسی نحوه تشکیل سلسله‌های علیّی در زبان قرآن و بازشدن پنجره‌های توجه به سوی معارف بینشی و آموزه‌های ارزشی آن؛ ظرافت‌های معنایی بی‌بدیلی را فراروی مخاطب قرار می‌دهد. نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی تفسیری درصدد است با توجه به نگاه مفسران و اصل پنجره‌های علیّی، ساختاری روشمند جهت دسته‌بندی روابط علیّی در تفسیر آیات «قرض» بیابد و تصویری بدیع از مراد الهی در کاربست تعبیر «قرض به خداوند» ارائه دهد. رهیافت‌های حاصل نشانگر وجود رابطه علیّی میان افعال ارزشی و اختیاری انسان با کمال مطلوب انسانی است. سلسله علیّی در تفسیر آیات «قرض» را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: یکی سلسله علت‌هایی که جهت‌گیری‌های اعتقادی - عملی انسان را شکل می‌دهد، مانند: ایمان به خدا و رسول، تقوا، معادباوری، جهاد در راه خدا، مبارزه با بخل و ... دوم علیّت خداوند بر پاداش قرض: زنجیره پاداش‌های بی‌حد و حصری برای «قرض» بیان شده است که با ایجاد انگیزه، انسان مؤمن و باتقوا را به سمت انجام عمل خیر و حسنه هدایت می‌نماید؛ پاداش‌هایی نظیر: «آمرزش گناهان»، «اجر کریم»، «فوز عظیم» و ...

واژگان کلیدی

تفسیر قرآن کریم، تفسیر شناختی، قرض، زنجیره علیّی، پنجره توجه.

*. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بابل (نویسنده مسئول).
**. دانشجوی مقطع دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
f.hasannejad56@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۳

طرح مسئله

قرآن کریم در شش آیه، جهت ترغیب و تحریض مؤمنان به انفاق در راه خدا، قرض دادن به بندگان را «قرض به خداوند» تعبیر نموده است؛ در همه موارد نیز واژه «قرض» با وصف «حَسَنًا» مقید شده است. در این آیات، «قرض» در ردیف مسائلی چون صدقه، انفاق، زکات و نماز ذکر شده است؛ همان طور که نماز با تعالی روح و رشد عبودیت، موجب ارتباط با مبدأ هستی، و دوری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی است؛ قرض، صدقه، انفاق و زکات همراهی به سوی تقرب به خداوند است. پاداش بی نظیری که برای «قرض» در نظر گرفته شده است؛ حاکی از اهمیت و عظمت آن نزد خدای متعال است.

در پی بررسی آیات قرض، با توجه به بافت و سیاق آیات و همچنین فضای معنایی موجود در سُور مربوطه، شبکه معنایی پیچیده و شگفت‌انگیزی نمایان می‌گردد. ساختار معنایی موجود در این آیات، مخاطب را به نوعی شبکه معنایی لانه زنبوری که در عین منظم بودن دارای پیچیدگی و ظرافت‌های بی نظیر معنایی است؛ مواجه می‌سازد. نوشتار حاضر بر آن است کلاف معنایی اعجازگونه در این آیات را بر پایه یکی از دستاوردهای دانش زبان‌شناسی شناختی و با استناد بر اصل «علیت و پنجره‌های علی» مورد بررسی قرار داده و تفسیری نوین از تعبیر «قرض به خداوند» ارائه دهد. از آنجایی که ساختار ارتباط زبانی بشر بر اساس «روابط علی» شکل گرفته است؛ تحلیل نقش «علیت» در تعبیرهای قرآنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بازنمایی زنجیره‌های علی بیانگر آن است که هر آیه به کدام مرحله و سطح مربوط می‌شود و چگونه آیات مختلف با وحدت موضوعی، در چارچوبی فراگیر کنار یکدیگر قرار گرفته و اهداف طولی یا عرضی یک پدیده را نشان می‌دهند. بی‌تردید، در تفکر دینی علیت جایگاه خاصی دارد؛ خداوند علت پیدایش عالم است و علت‌های دیگر در طول علیت خداوند هستند. بررسی نحوه انعکاس «علیت» در زبان قرآن و تحلیل نوع تلیق‌ها در بیان علیت خداوند یا دیگر موجودات در صحنه‌های خاص، موجب دستیابی به نظام خاص الهی در مفهوم‌سازی واژگان است.

مهم‌ترین ویژگی زنجیره علی، قابلیت آن برای «باز کردن پنجره توجه»^۱ در مراحل مختلف سلسله علی است. در تعبیرهای زبانی، «پنجره توجه» با توصیف موقعیتی، به بخشی منسجم از آن تصریح می‌کند و آن را به صورت پیش‌زمینه «توجه» قرار می‌دهد، بخش باقیمانده حذف و در پس زمینه قرار می‌گیرد.^۲ قرآن کریم یک «دستگاه توجه»^۳ است؛ بدین معنا که در بخش‌ها و بافت‌های گوناگون، بخش خاصی از یک مسیر یا فرایند در «کانون توجه» قرار می‌گیرد. تغییر کانون توجه در آیات مختلف، متناسب

1. windowing of attention.

۲. قائمی‌نیا، *معناشناسی شناختی قرآن*، ص ۸۶.

3. attentional system.

با عوامل مختلفی از قبیل سیاق صورت می‌گیرد و امکان تلفیق‌های مختلف مفهومی در مورد پدیده‌ها و موضوعات قرآنی رخ می‌دهد.^۱ جهت کشف «پنجره‌های توجه» در آیات قرض؛ توجه به نحوه بازشدن پنجره‌های علی در سیاق‌های گوناگون در این آیات، اهمیت بسیاری در تفسیر حقیقی از آن دارد. پژوهش‌های بسیاری پیرامون «قرض» و جایگاه «قرض الحسنه» در قرآن کریم و روایات دینی به نگارش درآمده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. پایان‌نامه «بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)»، اثر جواد زارع جعفری (۱۳۹۴ ش)؛ نگارنده با رویکردی قرآنی - روایی به موضوع «قرض الحسنه» و روایات تفسیری ذیل آن پرداخته است.

۲. پایان‌نامه «بررسی و تبیین آثار تربیتی «قرض الحسنه» در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام)»، اثر طیبه گرجی (۱۳۹۷ ش)؛ هدف این تحقیق دستیابی به آثار تربیتی قرض‌الحسنه برای افراد و جامعه با توجه به آیات و روایات بوده است.

۳. مقاله «قرض‌الحسنه، نگرشی تفسیری - روایی»، اثر مجید حبیبیان نقیبی (۱۳۸۳ ش)؛ نویسنده درصدد تصحیح روش اثبات صحت و مشروعیت نهاد قرض‌الحسنه بوده است.

۴. مقاله «بازخوانی مفهوم «قرض» در قرآن کریم؛ با تکیه بر انسان‌شناسی اقتصادی»، اثر عباس مصلائی‌پور و همکاران (۱۳۹۶ ش)؛ به تبیین مفهوم قرض و علت اهمیت آن، در پرتو بهره‌مندی از دستاوردهای علم انسان‌شناسی اقتصادی در حوزه «دهش» (مبادله هدیه‌ای) پرداخته و کارکردهای اجتماعی آن را در سطح جامعه اسلامی معرفی نموده است.

۸. مقاله «بازکاوی مفهوم «قرض حسن» در قرآن مجید»، اثر سید محمود طیب حسینی و مطهره سادات طیب حسینی (۱۳۹۹ ش)؛ این پژوهش به واکاوی مفهوم «قرض» در فرهنگ عرب و قرآن مجید پرداخته و رابطه این مفهوم قرآنی را با تلقی عمومی و دیدگاه مفسران مورد ارزیابی قرار داده است.

۹. مقاله «بازشناسی تفسیری مفهوم قرآنی قرض حسن»، اثر عبدالهادی فقهی‌زاده (۱۴۰۰ ش)؛ که به بررسی اثر روایات بر توضیح یا گسترش معنایی «قرض حسن» پرداخته است.

اکثر پژوهش‌های یادشده به‌صورت توصیفی بوده و الگوی زبانی - تفسیری خاصی ندارد؛ اما ضرورت پژوهشی ژرف‌کاوانه و مبتنی بر دستاوردهای نوین دانش‌های نوظهور احساس می‌شود. با توجه به آنکه در دوران معاصر علوم زبان‌شناختی پیوندی عمیق با تفسیر قرآن یافتند؛ تحلیل‌های معناشناسانه و بسط الگوهای آن در مطالعات تفسیری، با توسعه روش‌های استنباط از کلام الهی و دریافت آموزه‌های متعالی

آن، در سامان‌دهی مفهومی سازه‌های پیچیده متنی و معناسازی‌های خاص آن، امری حائز اهمیت است. از این‌رو نوشتار حاضر تلاش دارد تا تأثیرشناختی علیّت و روابط علیّی در تفسیر زبانی آیات «قرض» را مورد واکاوی قرار دهد.

مفهوم‌شناسی شناختی «علیّت»

«علیّت» یکی از روابط بنیادی است که نقش مهمی در زمینه‌های مختلف معرفتی دارد. مهم‌ترین انگیزه تفکر در انسان، همان درک قانون کلیّی و معلول است که موجب پدیدار گشتن سبب مفهوم «چرا» در ذهن انسان می‌شود. علوم بشری بازتابی از قانون علیّی است.^۱ اصل «علیّت» یعنی مؤثربودن چیزی در پیدایش شیء دیگر به معنای عام آن (مطلق توقف داشتن چیزی بر چیز دیگر) و یا فاعل داشتن یک پدیده به معنای خاص آن (پدیدآوری ولو متوقّف بر چیزهای دیگر هم باشد).^۲

در مجموعه «علّت و معلول» از نظر تحلیل ذهنی سه مفهوم وجود دارد: ۱. علّت (موجد یا ایجادکننده)؛ ۲. معلول (موجد یا ایجادشونده)؛ ۳. علیّت (ایجاد). این سه مفهوم، حقایق به هم پیوسته‌اند که حتی در عالم ذهن و تحلیل عقلی نیز قابل‌انفکاک از یکدیگر نیستند.^۳ عالم وجود همانند سلسله زنجیرهای علیّی است که از حلقه‌هایی مترتب بر یکدیگر تشکیل یافته و وجود همه آن حلقه‌ها لازم و ضروری است، این نسبت وجوبی از نسبت معلول به علت تامّه خود سرچشمه می‌گیرد.^۴

برخی زبان‌شناسان در بررسی نحوه تشکیل سلسله‌های علیّی در زبان معتقدند علیّت، دارای مراتب و درجات مختلفی است و باید حوادث علیّی گوناگون را سلسله‌ای از حالت‌ها و «زیرحادثه‌ها»^۵ تشکیل داده باشد. در علیّت پدیده‌ها، سلسله عواملی وجود دارد که گوینده، به برخی از آنها «توجه» و نقش آن را «برجسته» نموده و برخی را «نادیده» می‌گیرد؛ بنابراین ممکن است رابطه‌ای علیّی به صورت‌های مختلف تعبیر شود.^۶ به عبارت دیگر، به دلیل عوامل چندعلتی در هر موقعیت، علیّت تابع فرآیند تعبیر است. کاربرد زبان غالباً شامل ساختن یک هستی (نوعاً، یک شخص) به عنوان عامل علیّی اولیه در یک موقعیت و حادثه است؛ که این هستی را «مسبب»^۷ نامیده‌اند. وجود رابطه علیّی مستقیم بین مؤلفه‌های مختلف

۱. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۳، ص ۷۷.

۲. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۱۲۶؛ مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۳، ص ۱۱۵.

۳. عراقی، آزادی و علیّت در فلسفه اسلامی معاصر و فلسفه مغرب زمین، ص ۴۷.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۶.

5. Subevents.

۶. قائمی‌نیا، معناشناسی شناختی قرآن، ص ۶۱۱ - ۶۱۴.

7. Causer.

موقعیت و نتیجه نهایی، از عواملی هستند که نقش «مسبب» را تعیین می‌نمایند.^۱ درحقیقت، علیّت مجموعه‌ای از مؤلفه‌هاست که یک کلّ را تشکیل می‌دهند.

تأثیر «علیّت» در زبان بر دو نوع است که باید بین آنها تفاوت قائل شد:

۱. تأثیر در مضمون تعبیرهای زبانی: گاهی جملات رابطه‌ای علیّی را بیان می‌کنند؛ مانند عبارت «سکته قلبی موجب مرگ می‌شود» که مضمون به‌طور مستقیم نوعی رابطه علیّی را نشان می‌دهد.
۲. تأثیر شناختی در خود زبان: علیّت از نظر شناختی در ساختار زبان و نوع تعبیر و مفهوم‌سازی به‌طور کلی، تأثیرگذار است.^۲

«علیّت» و «پنجره‌های علیّی» در گستره قرآن کریم

قرآن کریم ضمن تأیید «اصل علیّت» و تصویب علل و اسباب ابتدایی و متوسط، خداوند را به‌عنوان «سبب‌ساز» که علیّت اسباب دیگر را تأمین می‌کند و «سبب‌سوز» که اراده ازلی خود را غالب بر همه اشیاء و علل و اسباب می‌داند، معرفی می‌کند.^۳ بر پایه قانون عمومی علیّت وقتی سببی از اسباب ظهور یابد و شرائط دیگر هم با آن سبب هماهنگی کند و مانعی جهت تأثیر سبب وجود نداشته باشد، مسبب آن سبب به اذن الهی وجود خواهد یافت، عقل هم با حکم بدیهی و ضروری این قانون را قبول داشته، بحث‌های علمی و استدلال‌های نظری نیز بر آن تکیه دارد.^۴ در تحلیل زنجیره‌های علیّی در گفتمان قرآن کریم می‌توان اصول معنایی متعددی را مطرح نمود. مهم‌ترین اصلی را که در رابطه با بحث «علیّت» و با توجه به آیات به‌دست می‌آید، «اصل پنجره‌های علیّی» نامیده می‌شود. این اصل از دو اصل فرعی دیگر؛ یعنی «اصل ارتباط» و «اصل تکمیل» تشکیل شده است. مطابق «اصل ارتباط»، پنجره‌هایی که در یک آیه نسبت به حلقه‌ها و مراحل مختلف زنجیره علیّی باز می‌شود، با بافت و سیاق آن آیه ارتباط دارند. در «اصل تکمیل»، پنجره‌های گوناگون در آیات مختلف نسبت به یک زنجیره علیّی، در مجموع سلسله‌ای کامل از پنجره‌های مورد نیاز در قرآن را فراهم می‌آورند. البته مراد این نیست که در قرآن همه مراحل و حلقه‌های زنجیره علیّی آمده است، بلکه می‌توان با بررسی آیات مربوط به یک زنجیره علیّی و پنجره‌های مرتبط با آن، به تصویری از مراحل مختلف مورد نیاز از آن زنجیره در قرآن دست یافت.^۵

۱. لی، زبان‌شناسی شناختی: یک مقدمه، ص ۲۳۴ - ۲۳۳.

۲. قائمی‌نیا، استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن، ص ۳۶۹ - ۳۶۸.

۳. جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۰۱.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۱۱۷ - ۱۱۶.

۵. قائمی‌نیا، معناشناسی شناختی قرآن، ص ۶۱۷.

محورهای «علیت» در تعبیر قرآنی عبارت است از: ۱. علیت خداوند در مورد عالم و موجودات؛ به‌خصوص انسان؛ ۲. علیت خداوند درباره برخی پدیده‌های طبیعی؛ ۳. علیت انسان در مورد برخی از امور و رفتارها؛ ۴. علیت برخی موجودات؛ مانند ملائکه و ... که البته علیت در تعبیرهای قرآنی به موارد فوق محدود نمی‌شود.^۱ یکی از مواردی که زنجیره علی در قرآن کریم به نحو اعجاز‌گونه‌ای مورد پردازش قرار گرفته است، در تعبیر اسنادی «قرض به خداوند» است. آیات «قرض» به ترتیب نزول سوره عبارتند از: مزمل / ۲۰، بقره / ۲۴۵، حدید / ۱۱ و ۱۸، تغابن / ۱۷ و مائده / ۱۲.

مفهوم‌شناسی «قرض»

«قرض» گونه‌ای از بریدن و قطع کردن است؛ نیز عبور کردن و گذشتن هم «قرض» نامیده شده است.^۲ در تعریف اصطلاحی، چیزی است که مردم میان خود، رد و بدل می‌کنند و با آن، نیازهای یکدیگر را برطرف می‌سازند. دلالت «وام» بر قرض، از این باب است که آن قسمت از مال را از بقیه اموال جدا کرده و به دیگری می‌دهد به شرط آنکه عین یا بدل آن را پس از مدتی بازگرداند.^۳ گویا قرض‌دهنده آن مال را از بقیه اموالش بریده است.^۴ در قرآن کریم از عدول کردن، گذراندن از وضعی به وضع دیگر یا دگرگونی از حالتی به حالت دیگر و منتقل شدن، نیز تعبیر به «قرض» شده است.^۵

کاربست اصل پنجره‌های علی در تفسیر آیات «قرض»

واژه‌ها بر افراد و مصداق‌های بسیاری صدق می‌کنند که از میان آنها، تنها برخی به‌عنوان نمونه‌ها یا الگوهای اولیه و برجسته در زمان کاربست یک واژه (غالباً در کاربردهای عملی) به ذهن متبادر می‌شود. از این نظریه به‌عنوان «نظریه پیش‌نمونه»^۶ یاد شده است.^۷ پیش‌نمونه واژه «قرض» کمک به خلق خدا و انفاق در راه اوست. زمانی که خداوند مسئله قرض به خود را بیان نمود، اولین چیزی که به ذهن خطور می‌کند «يُقْرِضُ اللَّهُ» جایگزین «يُقْرِضُ النَّاسَ» است؛ یعنی کمک به خلق خدا و قرض دادن در راه

۱. قائمی‌نیا، *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*، ص ۳۷۷.

۲. راغب اصفهانی، *مفردات*، ج ۳، ص ۱۷۱.

۳. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۷۲؛ راغب اصفهانی، همان؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۷، ص ۲۱۶؛ ابن‌فارس، *مقاییس اللغه*، ج ۵، ص ۷۱.

۴. عسکری، *الفروق اللغویه*، ص ۴۲۶.

۵. کهف / ۱۷.

6. Prototype Theory.

۷. قائمی‌نیا، *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*، ص ۳۶۹.

خداوند، همان کمک به خداوند و مورد پذیرش حقّ و نیز اشاره به حتمی بودن پاداش آن است. این دعوت مؤمنان به انجام عمل خیر از باب کمال لطف و رحمتی است که خدای متعال نسبت به بندگانش دارد.^۱ «قرض» در مقام «نیاز» به کار می‌رود درحالی که ذات خداوند بی‌نیاز است؛ پس «قرض به خدا» در آیه از باب مجاز و بیان لطیفی برای ترغیب و تحریض مؤمنین به انفاق در راه خداست.^۲ در حقیقت مظاهر الهی مانند دین خدا، انبیاء و اولیای او در معرض نصرت دوستان و ظلم دشمنان واقع می‌شوند و آیاتی از قبیل «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۳ و آیات «قرض» شاهد آن است که کار مربوط به مظاهر الهی، به خداوند اسناد داده می‌شود.^۴ شایان ذکر است انتساب قرض به خداوند بر اهمیت و عظمت این عمل نزد خداوند دلالت دارد و این اسناد به صورت اسناد و اضافه شرفی است؛^۵ مانند مواردی را که خداوند در قرآن به خود نسبت داده است؛ «شَعَائِرِ اللَّهِ»،^۶ «طَهَّرْتُ بَيْتِي»^۷ تصویر حسنی قرض دادن به خداوند در سبک قرآنی، برگرفته از واقعیت زندگی آدمی است و بر معنای ذهنی دلالت دارد که با مجسم نمودن و محسوس و ملموس نمودن موجب تأثیرگذاری بر اندیشه و روان انسان می‌گردد.^۸

با توجه به «اصل ارتباط»، بافت و سیاق آیات قرض بیانگر آن است که این آیات در رابطه با دو موضوع مهم «جهاد بیرونی» و «جهاد درونی» مطرح شده است. لازم به ذکر است «جهاد» در اصطلاح قرآنی معنایی عام و وسیع‌تر از قتال و حرب دارد و شامل هر نوع تلاش در راه جلب رضایت خداوند است؛ «إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي...»^۹

آیاتی که در بافت «جهاد بیرونی» می‌باشند؛ عبارتند از: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... * مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ... * ... إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ اِبْعَثْ لَنَا مَلَكًا نَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^{۱۰} «مَنْ قَبْلَ الْفَتْحِ وَقَاتِلْ أَوْلِيكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتِلُوا ... * مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»؛^{۱۱}

۱. طبرسی، همان، ص ۷۳.

۲. زمخشری، *الكشاف*، ج ۴، ص ۴۷۴.

۳. محمد / ۷.

۴. جوادی آملی، *تسبیح*، ج ۴، ص ۵۴۵.

۵. زارع جعفری، *بررسی جایگاه قرض الحسنه در قرآن و روایات اهل بیت*، ص ۴۱.

۶. بقره / ۱۵۸، مائده / ۲ و ...

۷. حج / ۲۶.

۸. راغب، *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*، ص ۱۴۰.

۹. ممتحنه / ۱.

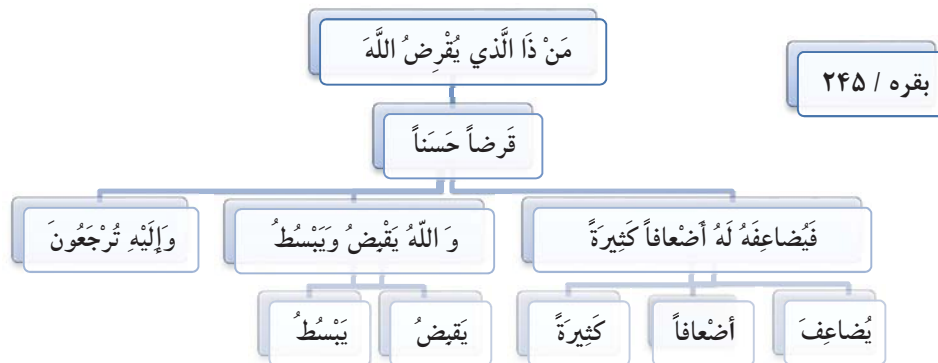
۱۰. بقره / ۲۴۴ - ۲۴۶.

۱۱. حدید / ۱۱ - ۱۰.

«وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»^۱ و همچنین آیاتی که در سیاق «جهاد درونی» مطرح شده‌اند؛ مانند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتَقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ... إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»^۲ حتی شاید بتوان گفت اقامه نماز و پرداخت زکات و صدقه هم که در این آیات به همراه قرض دادن ذکر شده است، نوعی جهاد درونی می‌باشند.

رابطه علی «قرض» و «جهاد بیرونی»

۱. خدای متعال در سوره بقره، پس از دعوت به تعقل در حوادث تاریخی و سرگذشت اقوام گذشته،^۳ به وجوب پیکار در راه خدا اشاره داشته است. فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات؛ نشان دادن روشی برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات است؛ «ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ... وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ * وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...»^۴ پس از دستور جهاد با جان که افزون بر تلاش‌های بدنی به ایثار مالی نیاز دارد، در آیه مورد بحث با تعبیری تشویق‌آمیز و کاربست «قرض حسن به خدا» با ذکر پاداش بی‌شمار آن، همگان به انفاق مالی ترغیب می‌شوند. سپس در آیه بعد نیز، مسلمانان را به دقت در تاریخ بنی‌اسرائیل و پندگیری از حوادث شگفت‌آور زمان طالوت فرامی‌خواند.



بنابراین مشاهده می‌شود آیه مذکور در بافت و سیاق جهاد در راه خدا نازل شده است. در حقیقت، در این آیات علیت جهاد در راه خدا برای «قرض» حائز اهمیت است. برگرداندن تعبیر از سیاق خطاب امر که

۱. مزمل / ۲۰.

۲. تغابن / ۱۷ - ۱۶.

۳. بقره / ۲۴۳.

۴. بقره / ۲۴۴ - ۲۴۳.

همراه با تکلیف است به استفهام که دعوت و تشویق به همراه دارد، و کاربرد طنین آهنگین «مَنْ ذَا الَّذِي» نشانگر برگزیدن بهترین شیوه جهت تأثیر در نفوس انسان‌ها و ذهن شنونده می‌باشد. ایجاد انگیزه به کارهای نیک برای زمینه‌سازی انجام آن، از روش‌های تربیتی قرآن کریم است.^۱ برخی از کارها مقدور کسی جز خدا یا بدون اذن او نیست، از این رو با استفهام یاد می‌شود، مانند: احزاب / ۱۷ و بقره / ۲۵۵.

در آیه مذکور پنج فراز قابل توجه است:

یک. کمک به خلق خدا، کمک به (دین) خداست؛ «يُقْرِضُ اللَّهُ» جایگزین «يقرض الناس»؛

دو. نیکو بودن قرض دادن به خداوند؛ «قَرَضًا حَسَنًا»؛

سه. استمرار تجددی و ثبوتی پاداش قرض به خدا؛ «فِيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»؛

چهار. حصر «قبض» و «بسط» به دست خدای متعال؛ «وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ»؛

پنج. استمرار پاداش در آخرت؛ «وَأَلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

۲. آیه ۱۱ سوره حدید نیز در بافت و سیاق «جهاد بیرونی» مطرح شده است؛



با توجه به ارتباط آیه شریفه با آیه قبل و با توجه به اینکه مراد از انفاق در آیه قبل، برطرف کردن نیاز جبهه و جنگ می‌باشد؛ «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَ...»^۲ به نظر می‌رسد مصداق موردنظر از «قرض» در این آیه، می‌تواند انفاق در جبهه و جنگ باشد. در قرآن کریم پس از نکوهش مؤمنان به دلیل کوتاهی در امر انفاق که بیانگر واجب بودن آن است؛ همانند سوره بقره از تعبیر استفهام جهت تشویق به «قرض» استفاده شده است.

رابطه علیّی «قرض» و «جهاد درونی»

۱. در سوره حدید پس از بیان قسمتی از دلایل عظمت خدای متعال در عالم هستی و اوصاف جمال و

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲. حدید / ۱۰.

جلال الهی - اوصافی که انگیزه حرکت به سوی الله است - همگان به ایمان و عمل صالح دعوت می‌شوند؛^۱ ایمان به خدا و سر نهادن در پیشگاه ربوبیت یگانه او، میثاق فطری انسان‌ها با خداوندست؛^۲ سپس به یکی از آثار مهم ایمان که «انفاق فی سبیل الله» است، اشاره می‌نماید؛ «وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ»؛^۳ «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^۴ «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»؛^۵ «إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ».^۶ امر مؤمنین به ایمان همراه با خشوع قلب؛^۷ به دلیل آن است که آثار ایمان را بر ایمان خود مترتب سازند.^۸ مؤمنان، موظف به تلاش جهت افزودن بر درجات ایمان خویش هستند.



نکته قابل توجه در آیه فوق همنشینی «قرض» با «صدقه» است. تکیه بر وصف اسم فاعل، بیانگر آن است که صدقه دادن در بینش الهی، در صورتی ارزشمند خواهد بود که به صورت برنامه‌همیشگی و خصلتی مستمر برای مؤمنان باشد. مطابق احادیث و روایات، «قرض الحسنه»، نسبت به «صدقه»، از جایگاه بالاتری برخوردار است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «پاداش قرض الحسنه هیجده برابر، ولی پاداش صدقه ده برابر است».^۹ دلیل این تفاوت چنین بیان شده است که قرض را افراد محتاج و نیازمند می‌گیرند، ولی صدقه و بخشش گاهی به غیرمحتاج نیز داده می‌شود.^{۱۰}

۱. حدید / ۷.

۲. حدید / ۸.

۳. حدید / ۷.

۴. حدید / ۱۰.

۵. حدید / ۱۱.

۶. حدید / ۱۸.

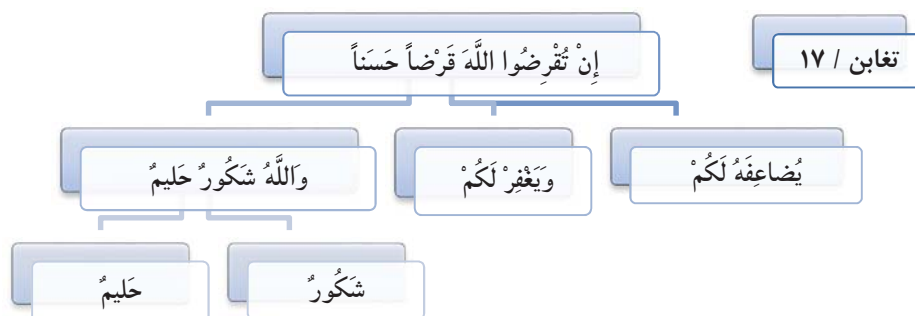
۷. حدید / ۱۶.

۸. طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۵.

۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۱.

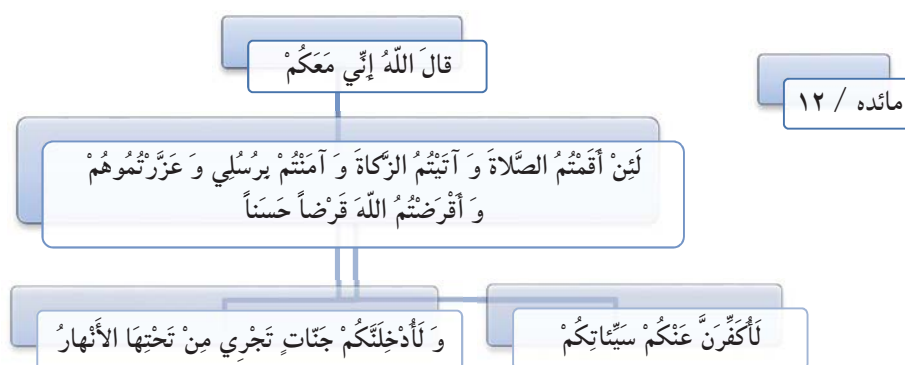
۱۰. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸.

۲. در سوره تغابن نیز، سفارش به «قرض» در بافت و سیاق «جهاد درونی» مطرح شده است؛ با توجه به سیاق آیات، مفهوم‌سازی علی در امر قرض؛ توصیه به رعایت تقوای الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد؛ بیانگر آن است که تقوا، مهم‌ترین عامل رهایی انسان‌ها از دلبستگی به مادیات (همچون اموال، اولاد و ...) می‌باشد؛ «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ... * فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱.



خدای سبحان در این آیات، نخست به اجتناب از گناهان فرمان می‌دهد (چراکه تقوا بیشتر ناظر به پرهیز از گناه است) و سپس دستور به اطاعت و شنیدنی که مقدمه و علت این اطاعت است؛ از میان طاعات به مسئله انفاق که از مهم‌ترین آزمایش‌های الهی است تکیه می‌کند و سرانجام بیان می‌دارد سود همه اینها به خود شما برمی‌گردد.

۳. آیه شریفه ذیل، بیانگر نوعی پیمان الهی است که به بنی‌اسرائیل (بلکه همه مردم) ابلاغ شده است. در آیه قبل پنجره توجه به روی «یادآوری و توجه به نعمت‌های خدا» که زمینه تقوای پیشگی و توکل است، باز شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^۲.



۱. تغابن / ۱۶ - ۱۵.

۲. مائده / ۱۱.

سپس فرازهای متعددی در این آیه ذکر شده است که سلسله علی برای همراهی و آمرزش خداوند و داخل شدن در بهشت می‌باشد؛ ۱. نماز به یادارید؛ ۲. زکات را بپردازید و با خدا پیوند برقرار سازید؛ ۳. به رهبران الهی ایمان آورده و اطاعت و یاری‌شان کنید؛ ۴. در راه خدا به دیگران کمک نمایید؛ که همه این موارد موجب تکفیر (نادیده گرفتن) قطعی گناهان و دخول حتمی در بهشت برین خواهد بود و فراتر از این پاداش، بیان خداوند که فرمود: «قَالَ اللَّهُ إِنَّي مَعَكُمْ» که علیت خداوند در مورد عالم هستی را بیان می‌کند.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد هریک از پنجره‌های باز شده در این آیات بیانگر مفهومی خاص و ویژه می‌باشد. سلسله علی قرض در دو سیاق «جهاد بیرونی» و «جهاد درونی»، حاکی از علیت انسان در مورد قرض به خداوند است؛ بندگان مؤمن خداوند به سبب ایمان به خدا و اعتقاد به معاد، اوامر و فرامین الهی را اجرا نموده و همواره در راه رسیدن به کمال می‌باشند. انسان در پرتو اعمالی که در این جهان انجام می‌دهد، همچنان به سیر تکاملی خویش ادامه می‌دهد. از نگرگاه قرآن کریم نیز میان ایمان و عمل پیوندی وثیق و ناگسستنی برقرار است؛ که گاه به صورت عطف عمل صالح بر ایمان آمده است. عمل صالح گرچه داخل ماهیت ایمان نیست، ولی نتیجه ایمان است و ایمان مبدأ و منشأ عمل صالح می‌باشد. در واقع عمل صالح تبلور ایمان در اعمال و رفتار خارجی انسان است. ایمان حقیقی مانند انگیزه‌ای بسیار قوی انسان را به انجام فرامین الهی رهنمون می‌سازد. ایمان به خدا سبب می‌شود انسان خود را امانت‌دار الهی بداند و این مطلب، به انسان روح ایثار و سخاوت می‌بخشد. بنابراین ایمان به خداوند سبب انجام عمل صالح مانند «قرض دادن» می‌باشد.

پنجره علی در «قَرَضاً حَسَناً»

پیشنهاد «قرض حسن» به جای قرض ربوی - که در دوران جاهلیت و نیز عصر حاضر، کم‌وبیش رواج دارد - یکی از افتخارات نظام تشریحی اسلام محسوب می‌گردد؛ قرآن کریم با این پیشنهاد افزون بر آنکه بر استقراض ربوی به علت ایجاد شکاف عمیق طبقاتی و نابود کردن نیروی کار و تولید، خط بطلان کشید، برای رفع حوائج مؤمنان و جامعه دین‌داران «قرض حسن» را پیشنهاد نمود که در جوهر معنایی آن حُسن و ثواب لحاظ شده و بدین جهت همواره با قید «حسن» یا «حسنة» از آن یاد شده است؛ و در مرتبه‌ای بالاتر در تبیین حقیقت آن در عالم معنا، قرض دادن به مؤمنان را قرض دادن به خداوند دانسته است.^۱ تعبیر به «قَرَضاً حَسَناً» در این آیات بیانگر آن است که قرض دادن خود انواع مختلفی دارد که بعضی را «قرض نیکو» و بعضی را وام کم‌ارزش یا حتی بی‌ارزش می‌توان شمرد. توجه به این پنجره

۱. نصیری، مکتب تفسیری صدر المتألهین، ص ۲۷۴.

به دلیل شرط اصلی در پذیرش قرض از اهمیت بسیاری برخوردار است. «قرض حَسَن» به دلیل برخوردار بودن از حُسن فاعلی (محسن و متقی بودن) و حُسن فعلی (خالصانه برای خدا)، در علت پذیرش قرض توسط خداوند سهم بسزایی دارد.^۱ بنابراین بهره‌مندی از پاداش بی‌شمار «قرض» در صورتی میسر است که دارای صفت «حَسَن» باشد که می‌تواند مؤید «قرض دادن بدون توقع زیادتی» نیز باشد.^۲ شرایط «قرض نیکو» یا «انفاق ارزشمند» در آیات مختلف بیان شده است؛ که برخی از آنها عبارت است از: بهترین قسمت مال،^۳ اموال مورد نیاز انسان باشد،^۴ انفاق به نیازمندان،^۵ مکتوم بودن انفاق،^۶ همراه نبودن با منت و آزار،^۷ توأم با اخلاص و خلوص نیت و برای خشنودی خدا و ثبات نفس باشد،^۸ کم‌اهمیت شمردن آنچه که انفاق می‌کند،^۹ از اموال مورد علاقه‌اش باشد،^{۱۰} خود را واسطهٔ میان خالق و خلق بداند و هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند،^{۱۱} از اموال حلال باشد.^{۱۲} بعضی از این شرایط واجب محسوب می‌شود؛ (مانند عدم منت و آزار و تظاهر) و برخی نیز از شرایط کمال است (مانند ایثار به نفس در موقع حاجت خویشتن) که عدم وجود آن ارزش انفاق را از میان نمی‌برد، هرچند در سطح اعلاء قرار نمی‌گیرد. حُسن کامل قرض دادن مرهون اجتماع تمام علل حُسن قرض از جمله مقروض شدن وابستگی به مال از حریم دل و امتثال فرمان اِقراض برای شکر و محبت خداست. قرض الحسنه مالی از لحاظ صیغه مردمی نیز حَسَن است؛ زیرا جامعه را از فقر و ذلّت می‌رهاند و در تهذیب نفس و بخل‌زدایی نیز سهم بسزایی دارد.^{۱۳}

رابطه علیّی «قرض» و «پاداش»

برجسته‌سازی «قرض» در قرآن کریم با توجه به پاداشی که خداوند برای آن در نظر گرفته است، نمایان

۱. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۱۱، ص ۵۹۱.

۲. جرجانی، *تفسیر شاه‌ی او آیات الأحکام*، ج ۲، ص ۱۶۰.

۳. بقره / ۲۶۷.

۴. حشر / ۹.

۵. بقره / ۲۷۳.

۶. بقره / ۲۷۱.

۷. بقره / ۲۶۴.

۸. بقره / ۲۶۵.

۹. مدثر / ۶.

۱۰. آل عمران / ۹۲.

۱۱. حدید / ۷.

۱۲. مائده / ۲۷.

۱۳. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۱۱، ص ۵۸۲.

می‌گردد. همان‌طور که مشاهده گردید بعد از بیان قرض به خداوند، پنجره توجه به روی جریان پاداش عظیم «قرض» باز شده است که بر ارزش و میزان اهمیت «قرض» اشاره دارد و علیّتِ خداوند به دلیل قراردادن پاداش شمارش‌ناپذیر برای «قرض» ملاحظه می‌شود. اعطای چنین پاداشی فقط مقدر خداوند است. محور اساسی در این آیات، پاداش معنوی اخروی است نه پاداش مادی دنیوی؛ گرچه به‌عنوان برکت مال کاملاً مطرح است. منشأ تفاوت پاداش‌ها را نیز باید در تفاوت درجات ایمان و انفاق جست‌وجو نمود.^۱ زنجیره علیّی پاداش را می‌توان برطبق «اصل تکمیل» بررسی نمود و پنجره‌های گوناگون پاداش در آیات مختلف «قرض» را در کنار هم قرار داده و در مجموع سلسله‌ای کامل از پنجره‌های مورد توجه را فراهم آورد که به صورت موارد ذیل قابل ملاحظه است:

۱. جمله فعلیه: کاربرد جمله فعلیه در بیان پاداش قرض‌دهندگان به خداوند، بر تجدد و حدوث و نیز پدیدآمدن در زمان مشخص دلالت دارد. گاهی جمله فعلیه براساس موقعیت و به کمک قرینه‌ها، بیانگر استمرار پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه است؛ فهماندن استمرار تجدیدی مشروط به مضارع بودن فعل است. استمرار دائم مانند اینکه گفته شود: «این کوه، پیوسته سربلند و باوقار است» و استمرار تجدیدی مانند: «این آبشار، پیوسته فرو می‌ریزد؛ یعنی ریزش آن، لحظه‌به‌لحظه و نوبه‌نو است».^۲ به‌طور کل در آیات مرتبط با انفاق، دائماً از فعل مضارع استفاده شده و این نشان‌دهنده استمرار در طریق ایمان و عمل است و مؤمنان راستین کسانی هستند که در برنامه‌های خود، ثابت و استمرار دارند، فرازونشیب زندگی در روح و فکر آنها اثر نمی‌گذارد و خللی در برنامه‌های سازنده آنها ایجاد نمی‌کند.^۳

۲. فعل «يُضَاعِفُ»، از ریشه «ضِعْف» به‌معنای دو یا چند برابر، افزودن و زیادکردن بر اصل شیء است^۴ و باب مفاعله از فعل «ضَعْفَ» و به‌معنای تفعیل که بر کثرت دلالت دارد؛^۵ همچنین این فعل بر استمرار و تداوم و تکرار در مصداق دلالت می‌کند؛^۶ تکرار این واژه در آیات قرض به‌عنوان پاداش ثابت برای قرض قابل توجه است. می‌توان گفت جمله «فیضاعفه» جزاء شرط ضمنی است که به صورت فعل دوجانبه آمده تا افزایش و تأثیر متقابل و پی‌درپی آن را برساند.^۷

۳. واژه «أضعاف» نیز جمع «ضِعْف» به‌معنای دو یا چند برابرکردن چیزی که کمترین معنایی است

۱. همان، ص ۶۰۳.

۲. عرفان، ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ج ۱، ص ۱۲۰ - ۱۱۹.

۳. بقره / ۲۶۵.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ج ۲، ص ۴۵۷.

۵. آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۵۵۴.

۶. مصطفوی، التحقیق، ج ۷، ص ۳۲ - ۳۱.

۷. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۷۵.

که به آن نسبت داده می‌شود و اکثر آن حدّی ندارد و این لفظ مفعول دوّم «یضعفه» یا حال یا مصدر عددی است؛ بنابراین اگر «ضعف» اسم مصدر باشد، «اضعاف کثیرة» بر ده برابر مثل خودش تا جایی که شمارش آن را جز خدا کسی نمی‌داند، دلالت خواهد داشت.^۱

۴. واژه «کثیر» صفت مشبّهه و بر ثبوت و دوام دلالت دارد؛ در نزد خداوند به معنای غیرقابل شمارش است.^۲ رسول خدا ﷺ بیان داشتند که منظور از کلمه «کثیر» در دادگاه الهی، عددی است که از شمارش بیرون باشد (بما لاتحصی) و انتها نداشته باشد و جز خدا کسی اندازه آن را نمی‌داند.^۳ واژه «کثیر» در همنشینی با کلمه «اضعاف» تأکیدی بر پاداش بسیار زیاد است و جمله «یضعفه» به جای «یضعفه» رمز مبالغه و ازدیاد است.^۴ «اضعافاً کثیرة»، حال بعد از اكمال فعل سابق است که صورت و نتیجه نهایی را می‌نمایاند؛ بنابراین پی‌درپی افزایش می‌دهد و تصاعد می‌یابد تا ناگاه به صورت برابرها و افزوده‌های بسیار نمودار می‌شود.^۵ با توجه به این معنا، عنایات الهیه که شامل قرض می‌شود، بی‌حدّ و حصر و منطبق با پاداشی است که در آیاتی نظیر «إِنَّمَا يُوفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۶ آمده است. کلمه «بِغَيْرِ حِسَابٍ» یعنی پیش غیرخدا شمارش ناپذیر است و گرنه هر چیزی در عالم هستی اندازه معینی دارد که معلوم خداست: «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ»؛^۷ «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ».^۸

۵. جمله «وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ»؛ تکمیلی برای «یقرض» و تعلیلی برای «یضعف» است: «و این قرض نیکو را خدا می‌پذیرد و قبض می‌نماید»؛ زیرا شرط مکمل هر معامله‌ای قبض است. در این پنجره توجه، واژه «قبض» و در مقابل آن «بسط» حائز اهمیت است.

۶ «قبض» در مقابل «بسط» و «وسع»^{۱۰} و به معنای «گرفتن».^{۱۱} «الأخذ»^{۱۲} و «الشح»^{۱۳}

۱. سلطان علی شاه، بیان السعادة في مقامات العبادة، ج ۳، ص ۵۷.

۲. مغنیه، تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۶۵۱.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۳؛ عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۳۳.

۴. آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۵۵۴.

۵. طالقانی، همان.

۶. زمر / ۱۰.

۷. رعد / ۸.

۸. قمر / ۴۹.

۹. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۹۴.

۱۰. جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۰۰.

۱۱. قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۲۲.

۱۲. بقره / ۲۸۳.

۱۳. توبه / ۶۷.

آمده است.^۱ راغب اصفهانی آن را گرفتن شیء با تمام دست معنا کرده است؛ «قَبْضُ الْيَدِ عَلَي الشَّيْءِ» و «قَبْضُهَا عَنِ الشَّيْءِ» به معنای بستن دست قبل از گرفتن چیزی است، که همان امساک و خودداری از گرفتن است. این واژه جهت به دست آوردن چیزی به طور استعاره نیز به کار می‌رود و هرچند که در حصول آن چیز دست و کف دست‌ها به کار نیایند، مثل اینکه می‌گوید: «قَبِضْتُ الدَّارَ مِنْ فُلَانٍ؛ خانه را از فلانی گرفتم» یعنی تصرف کردم و مالک آن شدم.^۲ «قبض»، گرفتن چیزی و کشیدن آن به طرف خویش^۳ و قوام معنای آن، به دو عنصر «جمع» و «تسلط» است؛ یعنی بر خلاف «بسط» (خروج از تسلط و نشر آن) است و همچنین به معنای جمع کردنی است که قابض بر مقبوض سلطه و قدرت پیدا کند و در سیطره او قرار می‌گیرد.^۴

۷. «بسط» به معنای گشودن، وسعت دادن، گستردن،^۵ و امتداد در توسع و احاطه است.^۶ «بَسَطَ الشَّيْءَ» به معنای «نشره» می‌باشد.^۷ این واژه در اصل از ماده «بسط» است و طبق یک قاعده صرفی «سین» به دلیل مجاورت با حرف «ط» که از حروف اطباق و تقسیم است تبدیل به «صاد» شده است.^۸ همنشینی فعل «يضاعف» که بر مبالغه و کثرت پاداش دلالت دارد؛ با جمع مکسر «أضعاف» و صفت مشبیه «کثیر» دلالت بر فزونی و برکات بی‌نظیر و اعجاب‌انگیزی است که خدای متعال در «قرض دادن» قرار داده است؛ به گونه‌ای که آن را کامل دریافت می‌کند؛ همان‌طور که در معنای لغوی «قبض» آمده است، گرفتن تمام و کمال چیزی، به گونه‌ای که کاملاً مورد احاطه قرار می‌گیرد و نه تنها چیزی از آن کسر نمی‌شود بلکه به طرز شگفت‌آوری بر آن افزوده می‌شود؛ همان‌طور که در آیات دیگر نیز اشاره شده است؛^۹ واژه «بسط» که بر گسترش و توسعه ممتد دلالت دارد، نشانه دیگری از عظمت این پاداش است. قرارگرفتن حرف «صاد» و «طاء» در کنار هم که دارای صفت استعلا و اطباق هستند و با شدت و تفخیم بیان می‌شود و کاربست آن به جای «بسط» می‌تواند نشان‌دهنده میزان گشایش و وسعت در این عمل باشد و این خود از اعجاز لفظی قرآن کریم است.

۱. ابن‌عاشور، *تفسیر التحریر و التنویر*، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. راغب اصفهانی، *مفردات*، ج ۳، ص ۱۲۰ - ۱۱۸؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۷۲.

۳. طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۴۳۳.

۴. مصطفوی، *التحقیق*، ج ۹، ص ۲۰۲.

۵. ابن‌فارس، *مقایس اللغه*، ج ۱، ص ۲۵۲؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۷، ص ۲۶۱.

۶. مصطفوی، *التحقیق*، ج ۱، ص ۲۹۲.

۷. جوهری، *الصاحح*، ج ۳، ص ۱۱۶.

۸. طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۴۳۳.

۹. نساء / ۴۰.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای دو فعل مضارع «یقبض» و «ییسط» مفعول ذکر نشده است که بر وصف دائمی خداوند دلالت دارد؛ چنان‌که «القبض» و «الباسط» از صفات خداوند است که در سراسر موجودات به صورت‌های آشکار و نهان جریان دارد؛ مانند: قبض و بسط نور در توالی شب و روز، و در آفاق مختلف و فصول سال، حرکت و سکون گیاهان و تحول صورت پدیده‌های زنده و نیروهای مثبت و منفی و همچنین درون اجزاء ماده که پیوسته دو صفت قبض و بسط در حال تضاد و نفی و اثبات است و منشأ هر تحول و تکاملی می‌گردد.

۸. «الیه ترجعون»؛ کاربرد سه واژه «قبض»، «بسط» و «مرجعیت» در کنار هم تأکیدی بر جمله قبل است؛ یعنی خداوند صدقات را می‌گیرد و پاداش آن را بسط می‌دهد؛^۱ سه فراز پایانی آیه هر یک بیانگر بی‌نیازی خداوند است، افزون بر آنکه حصر «قبض» و «بسط» به دست خداوند، همانند حصر «احیاء» و «اماته»، برای تبیین توحید ناب در تمام شئون زندگی است؛ زیرا بر محور توحید، نه امساک، مال را حفظ می‌کند و نه قرض حسن دادن مایه زوال آن است؛ چون قبض و بسط فقط به اراده الهی است. در آیه شریفه، با تعبیراتی ویژه؛ کاربست فعل استمراری «یقبض و ییسط» و اسناد آنها به فاعل «اللّه» و اکمال آن به «الیه ترجعون»، هیچ‌گونه ابهامی برای اندیشمندان باقی نمی‌گذارد؛ زیرا قبض و بسط مستمر، همان تغییر و تکامل و جابه‌جا شدن را می‌رساند؛ آن‌هم به صورت برتر و گشوده‌تر «بسط» و نیز متضمن علت فاعلی و غایی و سپس مسیر نهایی است.^۲ قرآن کریم با ذکر اصل مالکیت و علیّت خداوند بر قبض و بسط جهان، وعده سابق را با تهدید همراه می‌کند و به افراد بخیل تارک انفاق هشدار می‌دهد. ذکر بازگشت عمومی به سوی خدا، بشارت به خوبان و هشدار به تبهکاران است که جهت ترغیب به انفاق مالی و عدم ترک آن آمده است.^۳

۹. «اجر کریم»؛ خداوند سبحان بر اجر مضاعف قرض، در فراز آخر آیات ۱۱ و ۱۸ سوره حدید، به «اجر کریم» اشاره نموده است. پاداش نفیس و گران‌سنگی که در آخرت به قرض‌دهندگان خواهد داد؛ در نوع خود از پسندیده‌ترین پاداش‌ها و فوق تصور انسان است که در هیچ اندیشه‌ای نمی‌گنجد. وعده «اجر کریم» پاداش عظیمی است که جز خدا نمی‌داند و همه اینها بدان جهت است که بینش‌های انحرافی و انگیزه‌های حرص، حسد، خودخواهی و طول امل که از موانع «انفاق» می‌باشند از میان ببرد و جامعه‌ای بر اساس پیوندهای عاطفی و روح اجتماعی و تعاون عمیق بسازد. تعبیر به «اجر» به منزله تشویق است.

۱. طوسی، التبیان، ج ۲، ص ۲۸۶؛ ابن‌عاشور، تفسیر التحریر والتنویر، ج ۲، ص ۴۶۱.

۲. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۷۶ - ۱۷۵.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۸۴ - ۵۸۳.

واژه «کریم» اسم جامعی برای هر آنچه که مورد ستایش است و جامع انواع خیر، شرف و فضائل می‌باشد^۱ و بر بهترین هر چیزی اطلاق می‌شود؛ «رِزْقٌ كَرِيمٌ»: «روزی بسیار»، «قَوْلٌ كَرِيمٌ»: «سخن موجز و پرمعنا و قانع‌کننده»، «وَجْهٌ كَرِيمٌ»: «چهره زیبا و خوب»،^۲ «كِتَابٌ كَرِيمٌ»: «مرضی فی معانی»^۳. بنابراین، هرچیزی که در حدّ و غایت خودش شریف و ارجمند باشد با واژه «کَرَم» توصیف می‌شود.^۴ برخی گفته‌اند: «این واژه تعبیر بلند قرآنی است که شاید معادل فارسی نداشته باشد که بتوان حق معنای کرامت را ادا کرد؛ کرامت به معنای بزرگی نیست، تکریم به معنای تعظیم و تکبیر هم نمی‌باشد؛ بعضی از روزی‌های معنوی به عنوان «رزق کریم» در قرآن مجید یاد شده است.

پاداش «اجر کریم» افزون بر سوره حدید، در سوره احزاب نیز برای مؤمنانی تدارک دیده شده است که به سبب فراوانی ذکر و تسبیح خدا، دعا و تحیت ملائکه بر آنان، از رحمت ویژه الهی برخوردار شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا * تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْتَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا»^۵. و همچنین در آیه دیگری پندپذیری و برخورداری از روح خشیت، علتی برای آمرزش و «اجر کریم» بیان شده است: «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ يالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ»^۶.

۱۰. رستگاری عظیم؛ در توضیح پاداش «اجر کریم» در سوره حدید به حضور مردان و زنان مؤمن، با چهره‌هایی تابان در عرصه قیامت که روشنگر راه آنان به سوی بهشت است؛ اشاره شده و از آن به «فوز عظیم» یاد نموده است: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُم يَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۷. واژه «فوز» در ۱۶ آیه با واژه «عظیم»، در دو آیه با واژه «مبین» و در یک آیه با واژه «کبیر» هم‌نشین شده است. همچنین در آیه ۱۸ سوره حدید که در سیاق جهاد درونی است؛ پس از توصیه به صدقه و قرض، این گروه در زمره صدیقان و شهدا (گواهان)، قرار می‌گیرند، که در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند:

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۲، ص ۵۱۰.

۲. بستانی، *فرهنگ ابجدی*، ص ۷۲۷.

۳. طریحی، *مجمع البحرين*، ج ۶، ص ۱۵۲.

۴. راغب اصفهانی، *مفردات*، ج ۴، ص ۱۴.

۵. احزاب / ۴۴ - ۴۱.

۶. یس / ۱۱.

۷. حدید / ۱۲.

«... أُولَئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ وَالشّٰهَدَاءُ عِنْدَ رَبّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ...»^۱ خداوند، در قیامت به مؤمنان تقوایپیشه نوری عطا خواهد کرد که در پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند؛^۲ آنان در عرصه قیامت، از خداوند خواستار ازدیاد نور خویش هستند.^۳

۱۱. غفران الهی؛ در سوره تغابن نیز افزون بر پاداش مضاعف، دو فراز دیگر قابل توجه است: «خداوند غفران خویش را مقرر فرموده و سپاسگزاری خود را یادآور شده است». همنشینی واژه «قرض» با غفران الهی بر این نکته تأکید دارد که یکی از اثرات قرض، آمرزش گناهان و غفران الهی می‌باشد: «يَغْفِرُ لَكُمْ»؛ همان‌طور که در آیه ۱۲ سوره مائده نیز بیان شده است: «... وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...» نیز در فراز آخر آیه به یک حلقه از زنجیره علیّی پاداش اشاره شده است.

۱۲. با هم‌آیی دو واژه «شکور» و «حلیم» که تنها در یک آیه در قرآن مجید مشاهده می‌شود؛ مبین ترغیب و تأکید درباره انفاق و بذل مال و رفع حاجت نیازمندان است؛ پروردگار در برابر عمل بنده‌اش از او تشکر و قدردانی می‌نماید و آنچه را که بنده انفاق نموده است، خود آن را قبض نموده و نیز رفع نیازهای عمومی و آمرزش گناهان او را مژده داده است و هرگز وعده پروردگار تخلف‌پذیر نخواهد بود. این خود علیّی است بر اینکه اهل ایمان نیز در امتثال این وظیفه که انتظام زندگی فردی و اجتماعی آنان بر آن استوار است، تعلل نمایند و در مقام شکر و سپاس نعمت برآیند. اسناد شکوربودن به خداوند به سبب مبالغه در شکر است و همان پاداش عظیمی است که به فرد قرض‌دهنده عطا می‌نماید.^۴

۱۳. در سوره مائده نیز پنجره پاداش، بر تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان و دخول حتمی در بهشت که پرتوی از نصرت الهی به بندگان است، اشاره دارد.

۱۴. در سوره مزمل که هم بر جهاد بیرونی و هم بر جهاد درونی اشاره شده است، پس از توصیه و ترغیب خداوند به انجام دادن کارهای خیر پیش از فرارسیدن مرگ، به این مطلب تأکید شده است که هرکار خیری، ذخیره‌ای است که انسان در این جهان، برای حیات اخروی خویش می‌فرستد و تمامی آن را در پیشگاه الهی، بهتر از آنچه انجام داده‌اند، می‌بینند و بیشتر از پاداشی که انتظارش را داشته و شایسته آن بوده‌اند، دریافت می‌کنند. واژه «اعظم» سه بار در قرآن و در بافت جهاد بیرونی تکرار شده است و تنها یک بار با واژه «اجر» آمده است و در دو آیه دیگر با واژه «درجه» همنشین شده است؛ ایمان، هجرت و جهاد با

۱. حدید / ۱۹.

۲. حدید / ۲۸.

۳. تحریم / ۸.

۴. زمخشری، *التشاف*، ج ۴، ص ۵۵۱.

جان و مال؛^۱ جهاد در راه خدا و شرکت در جنگ، در شرایط سخت و پیش از نمایان شدن آثار پیروزی.^۲ توجه به این نکته ضروری است که یادآوری پاداش عمل، پس از فرمان به انجام آن، بیانگر آن است که آگاهی و توجه به پاداش عمل، آدمی را به انجام آن برمی‌انگیزاند و علتی برای انجام آن خواهد شد. در حقیقت، پاداش‌های ذکرشده در این آیات خود نیز زنجیره‌های علیی است که مخاطب کلام الهی را به سمت انجام عمل سوق می‌دهد.

رابطه علی «قرض» و «خیر»

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.^۳

آیه شریفه مذکور مشتمل بر مسائل بسیاری است که محتوای آیات گذشته را تکمیل می‌کند. فرازهای متعددی در این آیه قابل توجه است که هم بر جهاد درونی و هم جهاد بیرونی اشاره دارد: تمجید خداوند از پیامبر اکرم ﷺ و یاران آن حضرت به خاطر شب‌زنده‌داری و قرائت قرآن کریم، آگاهی کامل خداوند از تمامی حرکات و اعمال انسان‌ها، شب‌زنده‌داری پیامبر ﷺ و تأسی گروهی از مؤمنان به ایشان، یاران پیامبر ﷺ موظف به تلاوت قرآن در شب‌هنگام به میزان میسور شدند و همچنین به برپایی نماز، پرداخت زکات، انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند؛ توصیه و ترغیب خداوند به انجام دادن کارهای خیر، پیش از فرارسیدن مرگ، توصیه خداوند به استغفار و آمرزش‌خواهی از درگاه او. همه این موارد، یک برنامه کامل خودسازی را تشکیل می‌دهد که در هر عصر و زمان به‌ویژه در آغاز اسلام تأثیر انکارناپذیری دارد. همنشینی عمل مستحب «قرض الحسنه» با واجباتی مانند نماز و زکات از میان تکالیف الهی، بیانگر اهمیت ویژه آن نزد خدای سبحان می‌باشد و اشاره به این نکته دارد که «قرض الحسنه» هم، مانند نماز و زکات، باید در سطح وسیع و همگانی در جوامع اسلامی مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو در آیه فوق با واژه جمع، به عموم مردم خطاب شده است. بنابراین، در عمل قرض افزون بر جنبه فردی، جنبه اجتماعی آن در جامعه شکل می‌گیرد و

۱. توبه / ۲۰.

۲. حدید / ۱۰.

۳. مزمل / ۲۰.

موجب می‌گردد که افراد غنی و فقیر به اعتدال و عدالتی نسبت به رفع حوائج و نیازهای خود برسند. با توجه به آیه فوق، شب‌زنده‌داری، تلاوت قرآن، اقامه نماز، پرداخت زکات و انفاق، از مظاهر نیکوکاری و مصداق‌های بارز کارهای «خیر» می‌باشند. برخی از مفسران معتقدند قرضی را که خداوند طلب می‌نماید به مال دنیوی اختصاص ندارد؛ بلکه در هر چیزی که انسان داراست، برحسب نشئه دنیوی و اخروی از اموال و قوا و اعضاء جریان دارد.^۱ توسعه مصداقی کلام الهی به جای توسعه مفهومی مانند توسعه در مفهوم قرض است که شامل هر کار خیری می‌گردد؛ مفهوم وام‌دهی در خارج گاهی پول (معنا و مصداق متعارف) و گاهی عمل صالح است که در این صورت عمل صالح میان خدا و بندگان او مفهوم پیدا می‌کند.^۲ آیت‌الله جوادی آملی نیز معتقد است که «قرض‌الحسنه» در فرهنگ و اصطلاح قرآنی آن، معنایی جامع دارد که شامل قرض‌الحسنه فقهی و هر کار خیری که برای خدا انجام داده شود؛ خواه عبادت مصطلح یا انفاق مالی یا کار عام‌المنفعه باشد، می‌شود. افزون بر آنکه قرض‌گیرنده در این‌گونه آیات خداوند است نه مردم. سرّ تعبیر این معنای عامّ به «قرض‌الحسنه» محفوظ ماندن اصل عمل نزد خداوند است، چنان‌که در عقد قرض، مال باز می‌گردد و خدا چندین برابر آن پاداش می‌دهد.^۳ بنابراین شاید بتوان گفت که هر طاعتی که برای خدا باشد، قرض دادن به خداست؛ خواه فعل باشد یا ترک آن؛ زیرا طاعت جز حرکت دادن قوای محرّکه و خودداری از قوای شهوت و غضب و کاستن شدت آن دو، نیست. پس اطاعت خدا قرض دادن از جانب این نیروها می‌باشد.^۴ قرشی نیز در این مورد بیان داشته است: «همه اعمال نیک؛ اعمّ از بدنی و مالی قرض‌الحسنه هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و خداوند در مقابل پاداش خواهد داد^۵ و این دلیلی است که ابتداء زکات داخل در قرض‌الحسنه می‌باشد».^۶ علامه طباطبایی در تفسیر این آیات بیان داشته است: «خدای متعال هزینه‌ای را که مؤمنان در راه او خرج می‌کنند، قرض گرفتن خودش نامیده است».^۷

با توجه به بررسی سیاق و فضای آیات مربوط به «قرض» و همچنین روابط علیّی موجود در این آیات می‌توان زنجیره علیّی در «قرض» را به صورت ذیل بیان نمود:

۱. سلطان علی‌شاه، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۳، ص ۵۶.

۲. ابازی، تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی، ج ۱، ص ۵۵۹.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۹۵.

۴. سلطان علی‌شاه، همان، ص ۵۷.

۵. مزمل / ۲۰.

۶. قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۳۰۷.

۷. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۴۳۱.

عَلَّتْ قَرْض	باداش قرض
(بقره / ۲۴۵)	
<p>جهاد در راه خدا: ۱. وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (آیه قبل) ۲. تُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (آیه بعد)</p>	<p>۱. فَيَضَاعِفَهُ لَهُ. ۲. أَضْعَافًا كَثِيرَةً. ۳. وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ. ۴. وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.</p>
(حدید / ۱۱)	
<p>۱. ایمان به خدا و رسول: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»؛ (آیه ۷) ۲. میثاق فطری انسان‌ها با خداوند: «وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ»؛ (آیه ۸) ۳. جهاد در راه خدا: «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ»؛ (آیه ۱۰)</p>	<p>۱. فَيَضَاعِفَهُ لَهُ. ۲. وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ. ۳. چهره‌هایی تابان در عرصه قیامت: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ»؛ (آیه ۱۲) ۴. جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا. ۵. هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (آیه ۱۲)</p>
(حدید / ۱۸)	
<p>۱. ایمان به همراه خشوع قلب: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ»؛ (آیه ۱۶) ۲. یاد معاد: «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ (آیه ۱۷)</p>	<p>۱. يُضَاعَفُ لَهُمْ. ۲. وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ. ۳. أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ. (آیه ۱۹) ۴. لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ. (آیه ۱۹)</p>
(تغابن / ۱۷)	
<p>۱. توصیه به رعایت تقوای الهی: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» ۲. توصیه به رهنمودهای الهی: «وَأَسْمِعُوا» ۳. توصیه به اطاعت و فرمانبری: «وَأَطِيعُوا» ۴. توصیه به انجام کارهای خیر: «وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ»؛ ۵. مبارزه با بخل و حرص: «وَمَنْ يَبْخُلْ يَشْحَ نَفْسِهِ» ۶. فلاح و رستگاری: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (آیه ۱۶)</p>	<p>۱. يُضَاعَفُهُ لَكُمْ. ۲. وَيَعْفِرُ لَكُمْ. ۳. وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ.</p>
(مائده / ۱۲)	
<p>۱. لزوم رعایت تقوا: «وَاتَّقُوا اللَّهَ» ۲. توکل بر خدا، لازمه ایمان: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ (آیه ۱۱)</p>	<p>۱. وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۲. لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ ۳. وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ</p>
(مزل / ۲۰)	
<p>۱. علم خداوند به حالات بندگان، بهترین انگیزه برای انجام کارهای نیک است: «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومٌ»</p>	<p>۱. وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۲. هُوَ خَيْرٌ ۳. وَأَعْظَمُ أَجْرًا</p>

بنابراین با توجه به مطالب بیان شده و همچنین تدقق در آیات مربوط به قرض و بررسی واژگان همنشین آن، می‌توان گفت اسناد «قرض به خداوند» درجه ارزشمندی این عمل را نزد خداوند می‌رساند؛ عملی که هیچ‌گاه و در اثر هیچ گناهی از بین نمی‌رود و هیچ چیزی موجب نابودی و حبط آن نخواهد شد؛ زیرا زمانی که گفته شود: «یقبض» یعنی خداوند آن را کامل دریافت می‌کند و براساس معنای لغوی این واژه، گویی در دستان الهی کاملاً احاطه شده است و راه نفوذ هر آسیب و حبطی بر آن مسدود می‌گردد. با توجه به معنایی که برای واژه «ضعف» و «بسط» بیان گردید؛ نوعی امتداد و استمرار پی‌درپی و بی‌نظیر در توسع و گسترش پاداش آن در این دنیا و همچنین در جهان آخرت مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که شاید بتوان گفت عمل «قرض دادن» علاوه بر تکامل انسان در این دنیا، موجب تکامل انسان در جهان برزخ یا حتی یکی از عوامل تکامل در عالم ابدی باشد و یا موجب بالارفتن درجات و مقام فرد بهشتی شود. این همان پاداشی است که انتها ندارد، ابدی و جاودان است و پی‌درپی تجدید و نو به نو می‌شود یا به عبارتی دیگر همان اجر کریمی است که در آیات مربوطه بدان اشاره شده است و جز برای کسانی که به غیر از خشنودی و رضای خدا چیز دیگری در این دنیا نمی‌طلبند؛ محقق نخواهد شد؛ آن قدر خالصانه عمل می‌کنند که اگر هم به نیازمندی کمک می‌کنند، فقط خدا را می‌بینند گویی که به خدا قرض می‌دهند و اینها همان کسانی هستند که هم خدا از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی هستند: «رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ»^۱ و می‌توانند مصداق کسانی باشند که از تلاش خود راضی هستند: «لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ»^۲ «فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ»^۳.

در این میان عواملی نیز مشاهده می‌شود که در تقابل معنایی با «قرض»، زمینه‌ساز لغزش انسان‌ها و ممانعت از دینداری است. کفرورزیدن به خداوند و انکار ربوبیت یگانه او، خروج از فطرت و شکستن میثاق: «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ... وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ»^۴ وابستگی و دل‌بستگی به اموال و اولاد: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»^۵ آلودگی به بخل و حرص: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ»^۶ «شح» به معنای بخل شدید و توأم با حرص و از بیماری‌های درونی نفس است^۷ و این دو صفت رذیله از بزرگترین موانع رستگاری انسان و سد راه انفاق و کارهای خیر می‌باشد.

۱. فجر / ۲۸.

۲. غاشیه / ۹.

۳. حاقه / ۲۱ و قارعه / ۷.

۴. حدید / ۸.

۵. تغابن / ۱۵.

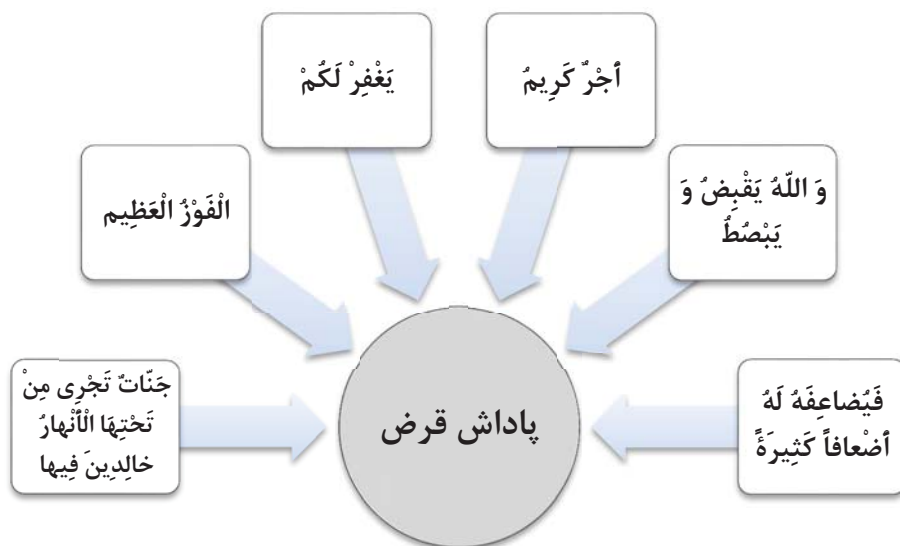
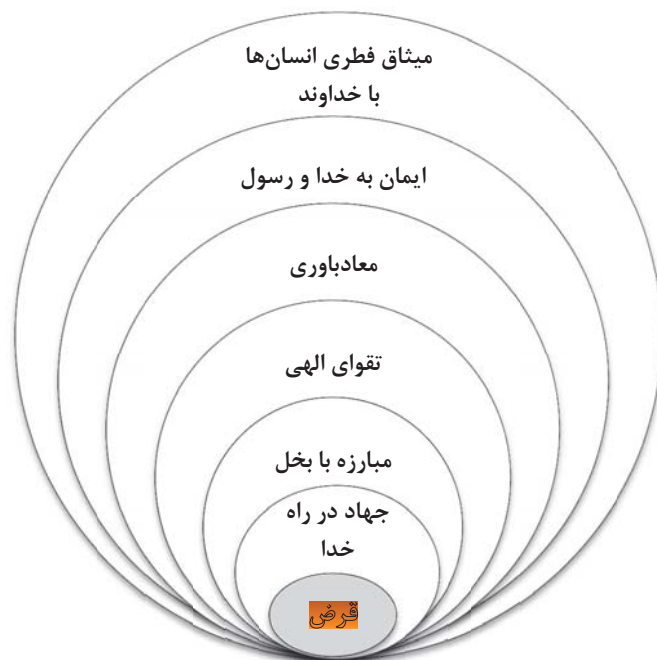
۶. تغابن / ۱۶.

۷. قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۸.

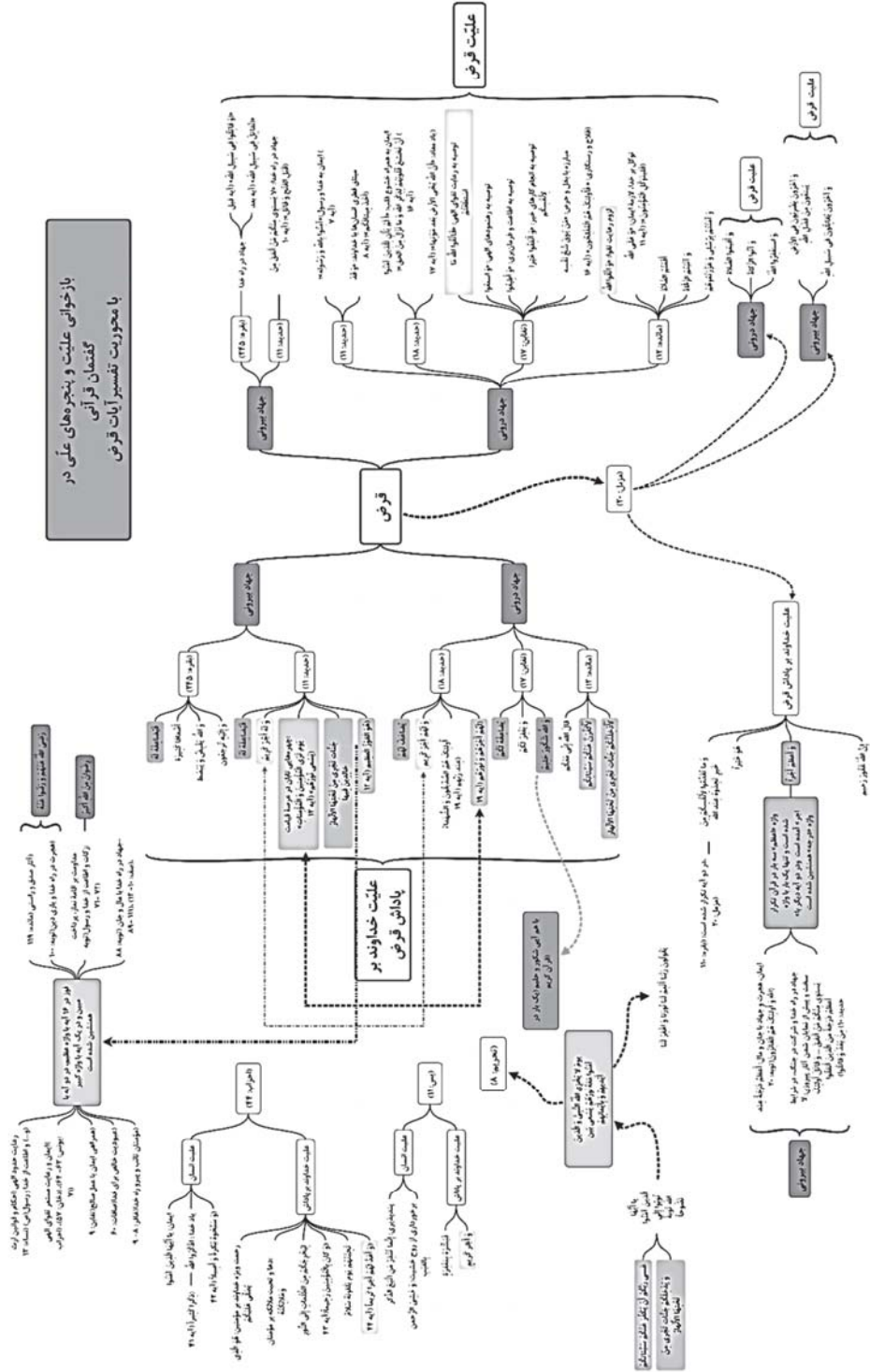
نتیجه

پژوهش حاضر نشان داد:

۱. جهت دستیابی روشمند به نقشه‌ای کلی از سلسله‌های علی در گفتمان الهی لازم است مفسر، همه حلقه‌های متفاوت سلسله‌های علی در قرآن کریم را کنار هم قرار دهد. بازسازی این زنجیره‌ها نشان می‌دهد که آیات مختلفی که پیرامون یک موضوع سخن می‌گویند، چگونه در چارچوبی فراگیر کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و نشانگر پیوستگی آیات قرآن مجید است.
۲. کاربرد اصل پنجره‌های علی در قرآن کریم بسیار گسترده است و تمام پدیده‌هایی را که به ظاهر یکسان به نظر می‌رسند را در برمی‌گیرد. به کمک این اصل می‌توان به مراحل مختلف این پدیده‌ها و مفهوم‌سازی‌های مرتبط با آن دست یافت.
۳. تحلیل زنجیره‌های علی واژه «قرض» با نگاهی به «پنجره توجه» در این آیات که متناسب با سیاق و فضای آیه باز شده‌اند، مخاطب را با مفهوم گسترده‌ای از اهمیت مسئله «قرض» و ابعاد جدید و شگفت‌آوری از آن مواجه می‌سازد و بیانگر آن است که بین فعل انسان و حصول نتیجه آن، رابطه ضروری علی - معلولی برقرار است.
۴. براساس «اصل پنجره‌های علی» و دو اصل فرعی آن؛ یعنی «اصل ارتباط» و «اصل تکمیل» سلسله علی «قرض» در آیات الهی را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:
 - سلسله علی‌هایی که جهت‌گیری‌های اعتقادی - عملی انسان را شکل می‌دهد؛ (جهاد بیرونی و جهاد درونی) مانند ایمان به خدا و رسول، تقوا، معادباوری، جهاد در راه خدا، مبارزه با بخل و ... درحقیقت رابطه علیت میان افعال ارزشی و اختیاری انسان با کمال مطلوب انسانی وجود دارد.
 - قرارگرفتن انسان به‌عنوان علیت در این زنجیره علی و انتخاب و اراده انسان در انجام عمل خیر موجب گشوده شدن سلسله‌ای از پاداش‌های بی‌حد و حصر از جانب خداوند سبحان خواهد شد.
 - علیت خداوند بر پاداش قرض: زنجیره پاداش‌هایی که خدای متعال برای «قرض» بیان نموده است که با ایجاد انگیزه، انسان مؤمن و باتقوا را به سمت انجام عمل خیر رهنمون می‌سازد؛ پاداش‌هایی نظیر: «آمرزش گناهان»، «اجر کریم»، «فوز عظیم» و ...



**بازخوانی عایت و بنجرهای کلی در
گفتار قرآنی
با محوریت تفسیر آیات قرص**



منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق.
- ایازی، سید محمدعلی، *تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی ره*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶ ش.
- بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی*، تهران، اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۵ ش.
- جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، *تفسیر شاهی او آیات الأحکام*، تهران، نوید، ۱۳۶۲ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء، ۱۳۸۰ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق و تصحیح احمد عبدعطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران، مرتضوی، چ ۲، ۱۳۷۴ ش.
- راغب، عبدالسلام احمد، *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*، تهران، سخن، ۱۳۸۷ ش.
- زارع جعفری، جواد، *بررسی جایگاه قرض الحسنه در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام*، پایان نامه ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۴ ش.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ ق.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، *متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة*، ترجمه محمد رضاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران، سر الاسرار، ۱۳۷۲ ش.
- طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۳۷۴ ش.

۲۳۴ □ فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۱۴، تابستان ۱۴۰۲، ش ۵۴

- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البیان*، تهران، فراهانی، بی تا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرين*، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، الطبعة الثالثة، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عراقی، محسن، *آزادی و علّیت در فلسفه اسلامی معاصر و فلسفه مغرب زمین*، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲ ش.
- عرفان، حسن، *ترجمه و شرح جواهر البلاغة*، قم، بلاغت، ۱۳۸۸ ش.
- عسکری، أبوهلال حسن بن عبدالله، *معجم الفروق اللغویة* تحقیق الشیخ بیت الله بیات، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تحقیق هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ ق.
- قائمی نیا، علیرضا، *استعاره های مفهومی و فضا های قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۳، ۱۳۹۹ ش.
- قائمی نیا، علیرضا، *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۶ ش.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ۶، ۱۳۷۱ ش.
- لی، دیوید، *زبان شناسی شناختی: یک مقدمه*، ترجمه جهان شاه میرزاشاهی، تهران، آگاه، ۱۳۹۷ ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۸ ش.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة؛ مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، الطبعة الثالثة، ۱۴۳۰ ق.
- مطهری، مرتضی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، صدرا، چ ۱۰، ۱۳۸۵ ش.
- مغنیه، محمدجواد، *تفسیر کاشف*، تحقیق موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *پیام قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۸۱ ش.
- نصیری، علی، *مکتب تفسیری صدر المتألهین*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۶ ش.